

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سود، سود است؛ فرق نمی‌کند در دار اسلام باشد یا دار کفر!

(ترجمه)

در پاسخ به پرسش محمد ابوخصیر

پرسش

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

اگر برای تان ممکن باشد در مورد این دیدگاه امام ابوحنیفه، سفیان ثوری و دیگران توضیح دهید که می‌گویند در دار کفر چیزی به نام سود وجود ندارد و به حدیث «لا ربا فی دار الکفر؛ هیچ سودی در دار کفر وجود ندارد»، معامله سودی سیدنا عباس در دار کفر و همچنین به شرطبندی ابوبکر رضی الله عنه با مشرکین مکه و مشارکت رسول الله صلی الله علیه وسلم با او را استدلال می‌کنند. پرسش این است که آیا تقلید از چنین نظریاتی جواز دارد؟ خصوصاً زمانی که دنیا با تمام وسعت خود بر کسی تنگ آید؟ از شما تقاضا مندم که این پرسش را به امیر برسانید و بعد از آن پاسخ را برایم ارسال نمائید! تشکر از شما

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

اول: قطعاً که سود با تمام انواع و حالات آن فرق نمی‌کند در دار اسلام باشد یا در دار کفر، حرام است؛ زیرا دلایل آن به صورت عموم بدون تخصیص و آزاد از هر قیدی وارد شده است و این بر اساس چیزی است که در نصوص شرعی از کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ * يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تَظْلَمُونَ﴾. [بقره: 275-279]

ترجمه: کسانی که ربا می‌خورند (از گورهای خود به هنگام دوباره زنده شدن، یا از مشی اجتماعی خود در دنیا) بر نمی‌خیزند، مگر هم‌چون کسی که (بنا به گمان عرب‌ها -) شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد (و نتواند تعادل خود را حفظ کند)؛ این از آن رواست که ایشان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند ربا است. و حال آن‌که الله خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است. پس هر که اندرز پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) دست کشید، آنچه پیشتر بوده (و سود و نزولی که قبلاً

دریافت نموده است) از آن او است و سروکارش با الله است؛ اما کسی که برگردد (و مجدداً مرتکب رباخواری شود) این گونه کسانی اهل آتش اند و جاودانه در آن می مانند. الله (برکت) ربا را (و اموالی را که ربا با آن بیامیزد) نابود می کند و (ثواب) صدقات را (و اموالی را که از آن بذل و بخشش شود) فزونی می بخشد، و الله هیچ انسان ناسپاس گنہکاری را دوست نمی دارد. بی گمان کسانی که ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند و نماز را چنان که باید برپای دارند و زکات را بپردازند، مزدشان نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. ای کسانی که ایمان آورده اید! از (عذاب و عقاب) الله بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا (در پیش مردم) باقی مانده است، فروگذارید، اگر مؤمن هستید. پس اگر چنین نکردید، بدانید که به جنگ با الله و پیامبرش برخاسته اید، و اگر توبه کردید (و از رباخواری دست کشیدید و اوامر دین را گردن نهادید) اصل سرمایه های تان از آن شما است، نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.

مسلم از عباده بن صامت حدیثی روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«الذَّهَبُ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةُ بِالْفِضَّةِ وَالْبُرُّ بِالْبُرِّ وَالشَّعِيرُ بِالشَّعِيرِ وَالتَّمْرُ بِالتَّمْرِ وَالْمِلْحُ بِالْمِلْحِ مِثْلًا بِمِثْلِ سَوَاءٍ بِسَوَاءٍ يَدًا بِيَدٍ فَإِذَا اِخْتَلَفَتْ هَذِهِ الْأَصْنَافُ فَبِيعُوا كَيْفَ شِئْتُمْ إِذَا كَانَ يَدًا بِيَدٍ»

ترجمه: طلا در مقابل طلا، نقره در مقابل نقره، گندم در مقابل گندم، جو در مقابل جو، خرما در مقابل خرما، نمک در مقابل نمک؛ باید جنس در بدل جنس باشد و باید برابر و دست به دست معامله گردد و هرگاه این اصناف در بدل مثل آن نبود تا زمانی که دست به دست باشد، هر طور که می خواهید بفروشید.

هم چنین مسلم از ابی سعید خدری روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«الذَّهَبُ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةُ بِالْفِضَّةِ وَالْبُرُّ بِالْبُرِّ وَالشَّعِيرُ بِالشَّعِيرِ وَالتَّمْرُ بِالتَّمْرِ وَالْمِلْحُ بِالْمِلْحِ مِثْلًا بِمِثْلِ يَدًا بِيَدٍ فَمَنْ زَادَ أَوْ اسْتَزَادَ فَقَدْ أَرَبَى الْإِخْذَ وَالْمَعْطَى فِيهِ سَوَاءٌ».

ترجمه: طلا در مقابل طلا، نقره در مقابل نقره، گندم در مقابل گندم، جو در مقابل جو، خرما در مقابل خرما، نمک در مقابل نمک؛ باید جنس در بدل جنس باشد پس هرکس که بر آن بیافزاید یا طلب زیادت نماید باشد گویا که سود نموده است و حکم گیرنده و دهنده در آن یکسان است.

ابوداود در سنن خود از عباده بن صامت روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«الذَّهَبُ بِالذَّهَبِ تَبْرُهَا وَعَيْنُهَا وَالْفِضَّةُ بِالْفِضَّةِ تَبْرُهَا وَعَيْنُهَا وَالْبُرُّ بِالْبُرِّ مَدَى بِمَدَى وَالشَّعِيرُ بِالشَّعِيرِ مَدَى بِمَدَى وَالتَّمْرُ بِالتَّمْرِ مَدَى بِمَدَى وَالْمِلْحُ بِالْمِلْحِ مَدَى بِمَدَى فَمَنْ زَادَ أَوْ اِزْدَادَ فَقَدْ أَرَبَى وَلَا بَأْسَ بِبَيْعِ الذَّهَبِ بِالْفِضَّةِ وَالْفِضَّةِ أَكْثَرُهُمَا يَدًا بِيَدٍ وَأَمَّا نَسِيئُهُ فَلَا وَلَا بَأْسَ بِبَيْعِ الْبُرِّ بِالشَّعِيرِ أَكْثَرُهُمَا يَدًا بِيَدٍ وَأَمَّا نَسِيئُهُ فَلَا».

ترجمه: طلا در مقابل طلای غش دار و بی غش، نقره در مقابل نقره غش دار و بی غش، گندم در مقابل گندم پیمانانه به پیمانانه، جو در مقابل جو پیمانانه به پیمانانه معامله گردد، پس هرکسی که بر آن بیفزاید و یا طلب زیادت نماید گویا که سود نموده است و در

فروش طلا به نقره اگر چه نقره زیادتر باشد مشکلی نیست تا زمانی که دست به دست باشد، اما اگر نسیه بود جواز ندارد و در فروش گندم در مقابل جو اگر چه جو زیادتر هم باشد مشکلی نیست تا زمانی که دست به دست باشد اما اگر نسیه بود جواز ندارد. در کتاب‌های ما به اندازه کافی در مورد سود بیان شده است، در صفحه 250-254 فایل ورد کتاب نظام اقتصادی وارد شده است: «سود و صرف، سود عبارت از گرفتن مال در مقابل مال دیگری آن هم از یک جنس به صورت زیادت و متفاضل و صرف عبارت از گرفتن مال در مقابل مالی از طلا و نقره از یک جنس مانند هم یا از دو جنس مختلف، همانند یا با زیادت. صرف تنها در بیع است اما سود تنها در بیع، یا قرض، یا سلم. ...»

سود در بیع و سلم فقط در شش شیء واقع می‌شود: خرما، جو، نمک، گندم، طلا و نقره. و سود در قرض در تمام اشیاء واقع می‌گردد بناءً جواز ندارد چیزی را به قرض بدهی به این قسم که کمتر یا بیشتر از آن را برایت مسترد کند، و نه هم از نوع دیگر اصلاً؛ بلکه در نوع و مقدار مثل آنچه که تو برایش قرض دادی.

فرق بین بیع و سلم و بین قرض این است که بیع و سلم در مبادله یک شیء با شیء دیگر و یا مبادله یک شیء با همان شیء می‌باشد؛ اما قرض فقط مبادله یک نوع با همان نوع است و باید چنین باشد. اما این که تنها این انواع شش گانه سود شمرده می‌شود به این جهت است که در مورد آن‌ها اجماع صحابه صورت گرفته است و به این دلیل که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«الذَّهَبُ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةُ بِالْفِضَّةِ وَالْبُرُّ بِالْبُرِّ وَالشَّعِيرُ بِالشَّعِيرِ وَالتَّمْرُ بِالتَّمْرِ وَالْمِلْحُ بِالْمِلْحِ مِثْلًا بِمِثْلِ سَوَاءً بِسَوَاءٍ يَدًا بِيَدٍ فَإِذَا اخْتَلَفَتْ هَذِهِ الْأَصْنَافُ فَبِيعُوا كَيْفَ شِئْتُمْ إِذَا كَانَ يَدًا بِيَدٍ»

ترجمه: طلا در مقابل طلا، نقره در مقابل نقره، گندم در مقابل گندم، خرما در مقابل خرما، نمک در مقابل نمک، جنس در مقابل جنس، برابر و دست به دست باید معامله گردد هرگاه این اصناف متفاوت شد، هر قسم که می‌خواستید معامله کنید تا زمانی که دست به دست باشد. (این حدیث را مسلم از عباد بن صامت روایت می‌کند)

بنابراین اجماع و حدیث در مورد اشیاء معینی هست که در آن‌ها سود صورت می‌گیرد و در غیر آن ثابت نمی‌شود. هم‌چنین در غیر این انواع شش گانه دلیلی بر تحریم وجود ندارد؛ پس در غیر این انواع سود نیست و هر آن چیزی که هم‌جنس آن باشد، در آن داخل می‌گردد و آنچه که در وصف آن با هم منطبق باشد، اما غیر آن در آن داخل نمی‌شود. در مورد علت تحریم این اشیاء دلیلی وارد نشده است، پس علت آورده نمی‌شود؛ زیرا تنها علت شرعی معتبر است، نه علت عقلی، پس آنچه که از طریق نص شرعی به عنوان علت شناخته نشود، پس به عنوان علت مورد اعتبار نیست و قیاس علت در این جا نمی‌آید؛ زیرا از جمله شرایط قیاس علت اینست که همان چیزی علت شمرده شود که یک وصف شناخته شده باشد تا این که قیاس بر آن صحیح گردد و هرگاه یک وصف شناخته شده نباشد، به شکلی که یک اسم جامد باشد یا وصف غیر ناشناخته، در این صورت شایسته نیست تا علت شمرده شود و غیر آن بر آن قیاس کرده نمی‌شود. نقل از کتاب نظام اقتصادی تمام شد. تفصیل بیشتر این بحث در همین باب صورت گرفته که می‌توان به آن رجوع کرد.

تمام این‌ها دلالت می‌کند بر این که سود حرام است، هر جا که باشد. هم‌چنین در میان دار اسلام و دار حرب در این مورد تفاوتی وجود ندارد، به این دلیل که تحریم سود به شکل عام بیان شده است، بدون این که تخصیص داده شود و مطلق است بدون این که مقید کرده شده باشد و تمام فقهاء به همین دیدگاه اند.

دوم: آنچه از احناف نقل شده که سود در دار حرب جواز دارد، این مذهب امام ابوحنیفه و شاگردشان محمد بن حسن است. "ابویوسف در این مورد مخالف آن دو است."

دلایلی که شما در سوال تان ذکر کردید که ایشان از سیدنا عباس و ابوبکر می‌گویند، در مورد این دلایل نظریاتی وجود دارد:

1- موضوع عباس رضی الله عنه: ابوجعفر طحاوی متوفی "321 هـ" در کتاب خود "بیان مشکل الآثار" تحت عنوان «باب بیان مشکل آنچه از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت شده در مورد آنچه که محمد بن حسن به آن استدلال می‌کند که ابوحنیفه آن را در اباحت سود بین مسلمانان و بین مشرکین در دار حرب می‌دانسته است.» در این مورد طحاوی می‌گوید: «در این آثار آمده است که در آن زمان سود در دار اسلام میان مسلمانان حرام بوده است، بعد از آن رسول الله صلی الله علیه و سلم را می‌بینیم که در خطبه‌شان در حجة الوداع بر اساس آنچه که ربیع مرادی برای ما می‌گوید فرمودند: «از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم در خطبه‌شان در حجة الوداع فرمودند:

«وَرَبَا الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ وَأَوَّلُ رَبًّا أَضَعُهُ رَبًّا الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَإِنَّهُ مَوْضُوعٌ كُلُّهُ»

ترجمه: سود جاهلیت زیر پا گذاشته شد و اولین سودی که زیر پا می‌کنم، سود عباس بن عبدالمطلب است، پس قطعاً که تمام آن سود زیر پا می‌باشد.

وی می‌افزاید: «از عمرو بن الأحوص روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمودند:

«أَلَا إِنَّ كُلَّ رَبٍّ مِنْ رَبَّا الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ، لَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»

ترجمه: آگاه باشید که هر سودی از سودهای جاهلیت زیر پا گذاشته شده است، برای شما تنها اصل سرمایه‌های شما است، نه ظلم کنید نه هم مورد ظلم قرار گیرید.

این حدیث دلالت می‌کند بر این که سود در مکه تا آن زمان که دار حرب بود، وجود داشت تا این که فتح گردید؛ زیرا از بین رفتن جاهلیت با فتح مکه صورت گرفت و سخن پیامبر صلی الله علیه و سلم چنان است که فرمودند اولین سودی را که از سودهای ما زیر پا می‌کنم، سود عباس بن عبدالمطلب است و این دلالت می‌کند که معامله سود عباس تا آن زمان جریان داشت که رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را از بین بردند، زیرا تنها چیزی از بین می‌رود که در حال جریان باشد نه آن چیزی که قبل از نابود شدن از بین رفته باشد.

بنابر این، دلیل بیان می‌دارد که معامله سود عباس تا زمان فتح مکه جریان داشت، در حالی که او قبلاً مسلمان شده بود. با این حال دلالت می‌کند که سود در میان مسلمانان و مشرکین در مکه تا زمانی که دار حرب بوده حلال شمرده می‌شده با وجودی که در میان مسلمانان در دار اسلام حرام بوده است؛ این بر اساس آنچه امام ابوحنیفه، ثوری و... می‌گویند. تمام شد. اما جواب برتر در این مورد:

أ- استدلال به این سخن درست نیست که عباس با اهل مکه معامله سودی داشته است، زیرا آنجا دار حرب بوده، به این جهت که مکه از زمان فتح آن به عنوان دار اسلام قرار گرفت و فتح مکه بیش از دو سال قبل از وارد شدن این حدیث «وَأَوَّلُ رِبَاً أَضَعُهُ رَبِّي الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ» بود، اگر رسول الله صلی الله علیه وسلم این سخن را در زمان فتح مکه می‌گفتند، در این صورت درست بود که به عنوان یک دلیل شناخته شود؛ اما زمانی که حدیث دو سال بعد از فتح مکه گفته شده است در این صورت استدلال به آن درست نمی‌باشد.

ب- از جانب دیگر مرتبط نمودن سود به جاهلیت چنانکه در حدیث آمده است:

«أَلَا إِنَّ كُلَّ رِبَاٍ مِنْ رَبَاٍ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ»

ترجمه: آگاه باشید که هر سودی از سودهای جاهلیت زیر پا گذاشته شد.

بیان می‌دارد که این سود مربوط به زمان قبل از اسلام آوردن عباس بوده است، زیرا جاهلیت مربوط به قبل از اسلام می‌شود، پس بر این اساس دیدگاه صحیح‌تر در مورد حدیث این است که معامله سودی عباس قبل از اسلام بوده است و برایش فواید سودی نزد قرضداران بوده که بعد از آن نبی کریم صلی الله علیه و سلم او را از گرفتن فواید سودی منع کردند:

«وَإِنْ تَبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ»

ترجمه: و اگر توبه کردید پس اصل سرمایه از برای شماست.

خبر داد که این سود زیر پا شده است.

2- اما استدلال شان به این که گفتند: «ابوبکر صدیق با مشرکین قریش قبل از هجرت قمار زد زمانی که الله سبحانه و تعالی آیت ﴿الْم * غَلَبَتِ الرُّومُ...﴾ را نازل کرد، قریش برایش گفتند: شما به این نظر هستید که روم غالب می‌شود؟! گفت: بلی: ایشان گفتند: آیا با ما شرط می‌بندی؟ وی گفت: بلی و با ایشان شرط بست، سپس نبی کریم صلی الله علیه و سلم را با خبر ساخت و نبی کریم صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«أَذْهَبَ إِلَيْهِمْ فَرْدٌ فِي الْخَطَرِ»،

ترجمه: برو نزدشان و در شرط‌بندی/ت بپیروز!

ابوبکر صدیق رضی الله عنه نیز چنین کرد، بعد از آن روم بر فارس پیروز شد، ابوبکر شرط‌اش را گرفت و نبی کریم صلی الله علیه و سلم برایش اجازه دادند و این در اصل میان ابوبکر و مشرکین مکه قمار است و در آن زمان مکه سرزمین شرک بود. «ابوبکر شرط بندی نمود یا قمار زد و یا به تعبیر دیگر میسر استعمال نمود.

جواب این سوال به دو وجه است: اول: این که جمهور علما به منسوخ بودن این حدیث قایل می‌باشند؛ زیرا این عمل قبل از نزول آیات تحریم قمار صورت گرفته است. دوم: این که بعضی از علما به این نظر اند که چنین شرط بندی جواز دارد و منسوخ نیست، زیرا هدف از آن نصرت اسلام بوده است و این قول را شیخ الاسلام بن تیمیه و ابن القیم اختیار نمودند. به هر دو وجه استدلال به جواز سود در دار حرب یک موضوع مرجوح است.

3- بنا بر این دیدگاه برتر در این مسئله چنین است که سود بین دو مسلمان و بین یک مسلمان و کافر در دار اسلام یا دار کفر و یا دار حرب حرام است و این دیدگاه زیادی از فقهاء مالکی، شافعی و حنبلی می‌باشد و برای فهم بیشتر برای شما اقوال بعضی از فقهاء را در مورد این مسأله بیان می‌دارم:

أ- ابن قدامه المقدسی رحمه الله در کتاب المغنی گفته است: «سود در دار حرب مانند دار اسلام حرام است، امام مالک، اوزاعی، ابویوسف، شافعی و اسحاق به این دیدگاه می‌باشند؛ زیرا الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [بقره: 275]

ترجمه: (الله سبحانه و تعالی) ربا را حرام نموده است.

الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾ [بقره: 275]

ترجمه: کسانی که ربا می‌خورند (از گورهای خود به هنگام دوباره زنده شدن، یا از مشی اجتماعی خود در دنیا) برنمی‌خیزند؛ مگر هم چون کسی که (-بنا به گمان عربها -) شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد (و نتواند تعادل خود را حفظ کند).

هم چنین الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا﴾ [بقره: 278]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (عذاب و عقاب) الله بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا (در پیش مردم) باقی مانده است فروگذارید.

عموم اخبار تقاضای تحریم سود تفاضل را دارد و هم چنین فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم:

«فَمَنْ زَادَ أَوْ اسْتَزَادَ فَقَدْ أُرْبَى»

ترجمه: هرکسی بر قرض بیافزاید یا طلب زیادت نماید، قطعاً سود نموده است.

عام است به همین قسم احادیث دیگر؛ زیرا آن چه در دار اسلام حرام باشد در دار حرب نیز حرام می‌باشد؛ مانند سود میان مسلمانان «هم چنین گفته است: «کسی که به سرزمین دشمن توسط امان داخل شود: در مال‌های شان خیانت نمی‌کند و با ایشان معامله سودی نمی‌کند.» هم چنین گفته است: «تحریم سود در دار حرب: ما آن را در بخش سود ذکر کردیم، به این دلیل که فرموده

الله سبحانه وتعالی ﴿وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [بقره، 275] و دیگر آیات و اخباری که دلالت بر تحریم سود دارد، به صورت عام می‌باشند و سود را در هر مکان و زمانی در بر می‌گیرد. «سخنانش تمام شد.

ب- امام نووی رحمه الله در کتاب المجموع شرح المهذب می‌فرماید: «سود در دار حرب مانند دار اسلام جاری می‌شود و امام مالک، احمد و ابویوسف نیز به همین دیدگاه قایل می‌باشند. دلیل ما این است که: دلایل حرمت سود به صورت عام بیان شده است و به این دلیل که آن چه در دار اسلام حرام باشد مانند دیگر گناهان و معاصی در دار شرک نیز حرام می‌باشد و به این دلیل که این یک عقد فاسد بوده و به توسط آن معقود علیه مباح نمی‌گردد مانند نکاح.»

ت- امام شافعی رحمه الله می‌گوید: «هرگاه گروهی از مسلمانان توسط امان به دار حرب وارد شدند در این صورت دشمنان شان باید در امان باشد، از این که مسلمانان با آنان فریب‌بازی و غدر کنند، یا از مدت امان شان تجاوز کنند و برای مسلمانان جواز ندارد که به دشمنان ظلم و یا خیانت نمایند.» اقتباس از کتاب "ام" (263/4) تمام شد. همچنین در کتاب "ام" (284/4) گفته است: «اگر یک مرد توسط امان به دار حرب وارد شد، سپس به چیزی از اموال شان دست یافت، در این صورت برایش حلال نیست که چیزی از آن مال بگیرد، فرق نمی‌کند کم باشد یا زیاد، زیرا زمانی که وی در امان است حکم کفار و مال‌های شان نزد او مانند حکم او و مال‌هایش نزد کفار می‌باشد؛ زیرا تا زمانی که در امان کفار باشد، از مال‌های کفار برایش همان چیزی حلال است که از اموال مسلمین و اهل ذمه حلال می‌باشد، به این دلیل که مال به وجوه مختلف ممنوع قرار می‌گیرد: اول: مالی که صاحب آن مسلمان باشد. دوم: مالی که از اهل ذمه باشد. سوم: مالی که برایش تا مدت مشخصی امان وجود داشته باشد.» تمام گردید.

در اخیر از الله سبحانه وتعالی خواهانیم تا رزق پاک و حلال تان را فراخ گرداند و برای تان حیات طیبه نصیب گرداند که در طاعت الله متعال سپری گردد تا در نتیجه آن در دنیا و آخرت کامیاب گردید و قطعاً این کامیابی بزرگ است.

برادر تان عطاء بن خلیل ابوالرشته

08 محرم الحرام 1443 هـ.ق.

16/08/2021 م.

مترجم: احمد صادق امین